

هنرمندان تجسمی در خط مقدم مبارزه با صهیونیسم

طی روزهای اخیر بسیاری از هنرمندان تجسمی با موضوع مظلومیت مردم غزه و عملیات طوفان الاقصی اقدام به تولید اثر کردند تا دین خود را به قدس شریف ادا کنند و نیز مظلومیت مردم فلسطین را با هنر خود فریاد بزنند.



این طرح تصویری دردناک و هنرمندانه از مظلومیت و ایستادگی مردم مظلوم فلسطین و به ویژه غزه است. طراح در این طرح، موشک را به شکل شیشه شیر ترسیم کرده و سوخت آن را خون کودکان غزه قلمداد کرده است تا بیان کند خون کودکان مظلوم و بی‌دفاع غزه فراموش نشده است



این طرح مظلومیت مردم غزه را به تصویر کشیده است که از سوی اشغالگران صهیونیست در محاصره قرار گرفته‌اند و طی این محاصره آب شرب مردم از سوی ارتش مستقر اسرائیل قطع شده است.



این طرح اشاره به تکرار تاریخ دارد و مظلومیت کودکان و نوزادان شهید غزه را به مظلومیت حضرت علی‌اصغر(ع) مشابهت داده است. این طرح تیر سه‌شعبه حرمه ملعون را با موشک اشغالگران که جان کودکان بی‌گناه را می‌گیرد، مشابه دانسته است.



در این طرح یک کودک فلسطینی در حال به تصویر کشیدن نقشه فلسطین است اما با استفاده از نمادها و رنگ‌های فلسطین و به دور از اشغالگری.



این طرح به زیبایی عملیات گروه‌های مقاومت فلسطینی را به عنوان بازگشت صلحناح اصلی این سرزمین اشغال‌شده به خانه ترسیم و نقشه و فلسطین را به شکل در خانه‌ای طراحی کرده که به روی صاحبان واقعی، در حال گشوده شدن است.



در این طرح هنرمند به عملیات طوفان‌الاقصی و نقود نیروهای مقاومت با استفاده از استفاده از پاراگلایدر پرداخته است. ضمن اینکه با ترسیم پرچم این رژیم و خفه ایجادشده در آن، به غیرقابل ترمیم‌بودن این شکست نظامی و اطلاعاتی اسرائیل اشاره دارد.



این طرح، رژیم اشغالگر قدس را مانند یک اژدهای نمایش داده که به سبب زخم‌های عمیق که از سوی گروه‌های مقاومت پیکر آن فرود آمده، در حال مرگ و نابودی است و در این بین رئیس‌جمهور آمریکا هم در حال ترمیم کردن این زخم‌هاست.

نمایش

ردپای چمران روی «تکه‌های سنگین سرب»

روایت عاشقانه‌ها و شاعرانگی‌های یک تکاور بسیجی دانشمند که خانواده خود را فدای آرمان‌هایی می‌کند که سروصدایش این روزها گوش گردنکشانی مثل رژیم جعلی صهیونیستی و حامیانش را کر کرده‌است



تماشاگران بسیاری بود. نمایش «تکه‌های سنگین سرب» عاشقانه‌ها و شاعرانگی‌های یک تکاور بسیجی دانشمند را روایت کرد که خانواده خود را فدای آرمان‌هایی می‌کند که سروصدایش این روزها گوش گردنکشانی مثل رژیم جعلی صهیونیستی و حامیانش را کر کرده و لرزه بر اندام تحریف و ضعیف عادی‌سازان انداخته است.

این نمایش چمران را از زاویه و منظری به تصویر می‌کشد که جامع‌الاطراف‌بودنش را توأم با روحیه لطیف و مجنون‌وارش برجسته می‌کند. چمران و امشال او هیچ‌گاه در یک جمله یا یک متن نمایشی نمی‌گنجد اما «تکه‌های سنگین سرب» در یک‌ساعت او را به مخاطبی که شاید هیچ در مورد آن نمی‌داند در دست و دقیق می‌شناساند. این اثر، هنرمندانه، معرفی چمران را از تولد و سفر تحصیلی به امریکا آغاز می‌کند و تا چندپرده‌ای را دارند و نه مخاطب امروز صبر از دواج با تامسن هیمن همسر نخست وی، ورود به لبنان، دیدار با امام موسی صدر، وداع با فرزندان خونی اش، آشنایی با غاده جابر همسر لبنانی او و شهادت ادامه می‌دهد. وزن و عیار «تکه‌های سنگین سرب» در ارائه مؤثر اطلاعات به مخاطب از شهید چمران آنچنان بالاست که غاده جابر، همسر شهید چمران در دست‌نوشته‌ای آن را تحسین می‌کند. او نوشته است: «شنیدم که مراسمی برای شهید چمران گرفتید، ان‌شاءالله شماها باز یگران نمایش تکه‌های سنگین سرب) خترم و سپرم، در راه شهید چمران بایستید- که راه عشق به خدای سبحان تعالی و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام است. موفق باشید و خیلی التماس دعا. امضا: غاده جابر چمران»

موسیقی

عاشقانه‌ای در دل تاریخ معاصر

درباره کنسرت نمایش «کلنل»

محمد معتمدی روی صحنه تئاتر به عنوان بازیگر، آماده اجرا شد و از سه‌شنبه ۲۵مهرماه در تالار وحدت تهران روی صحنه رفت. «کلنل» تر کبیبی از دو قالب هنری در کنار هم است و عامل اتصال کنسرت با نمایش، محمد معتمدی است؛ ستاره موسیقی سنتی ایران که برای اولین بار در جایگاه بازیگر قرار گرفته و علاوه بر ایفای نقش «عارف قزوینی» قطعاتی را به صورت زنده برای مخاطبان اجرا می‌کند.علاوه بر این موضوع، در طراحی صحنه و دکور «کلنل» نیز ریزبینی خاصی صورت گرفته است تا با استفاده از بزرگی صحنه تالار وحدت، حس و حال ورود به یک مقطع تاریخی و مواجهه با شخصیت‌های مهم تاریخ معاصر ایران در مخاطب زنده شود. کنسرت‌نمایش «کلنل» که با همکاری مؤسسه فرهنگی - رسانه‌ای «سوره هنر» و بنیاد رودکی تولید شده، به تهیه‌کنندگی امین اشرفی، بر اساس متنی از امیر تقایی و با کارگردانی امیر بسبیری روی صحنه تالار وحدت رفت و تا آخِر آبان‌ماه میزبان علاقه‌مندان است.

داشته باشد. پسیان ۳۰سال بیشتر عمر نکرد و در سال ۱۳۰۰ جان خود را فدای ایران کرد، اما همین زندگی کوتاه ۳۰ساله، پراز ماجراها و خردروایت‌هایی دراماتیک است که می‌تواند الهام‌بخش هنرمندان باشد. زندگی و زمانه کلنل محمدتقی‌خان پسیان، یک دوران نمادین از تاریخ این سرزمین است؛ دوران دشوار میهن‌دوستی و بزنگاه ورود ایران به یک دوره تاریک دیکتاتوری. شاید اگر کلنل پسیان تنها نبود و «پسیان‌ها» در این کشور متحد می‌شدند، سلطنت شوم پهلوی هیچ‌وقت به تحقق نمی‌رسید. اما تاریخ را «ای کاش»‌ها نمی‌سازند. زندگی پرماجرای کلنل محمدتقی‌خان پسیان این روزها دستمایه خلق یک اثر هنری متفاوت شده؛ یک «کنسرت-نمایش» که با استفاده همزمان از ظرفیت‌های موسیقی و هنرهای نمایشی، می‌کوشد احوالات یک سرباز قداکار وطن را برای مخاطب روایت کند. کنسرت‌نمایش «کلنل» با بازی کاظم سیاحی، نازنین بیاتی، رحیم نوروزی، سیامک صفری، اتابک نادری و البته نخستین حضور



مهدی ملکی

نام «کلنل محمدتقی‌خان پسیان» برای کسانی که اهل مطالعه تاریخ معاصر ایران هستند، نامی آشناست. این نظامی ملی‌گرا، یکی از مهم‌ترین موانع رضان برای تسلط بر ایران بود که پس از سال‌ها مجاهدت در راه حفظ ایران، در میدان نبرد کاشانه شد تا نام و یادی جاودانه در خاطره میهن‌دوستان

جدیدا در تفسیر رامطرح می‌کند. با توجه به گستره تاریخ شفاهی می‌توان گفت مقوله‌ای دوسویه است، یعنی با تاریخ و علوم اجتماعی در ارتباط است.» چند سالی است که با توجه به اهمیت تاریخ شفاهی مسائل مرتبط با انقلاب اسلامی موجب تولید کتاب‌هایی متمم‌کر بر این موضوعات شده است. کتاب چوگان خمینی‌نوشته علیرضا میرشکار یکی از این میرشکار در این کتاب ۲۶۰صفحه‌ای در ۲۶فصل سراغ ثبت خاطرات شفاهی حضور جهادسازندگی در روستای زرآباد سیستان‌و بلوچستان رفته است. در مواجهه با این کتاب دقیقاً اولین پرسش جدی در اینجا خودنمایی می‌کند.

این کتاب برای چه مخاطبی واجد جذابیت است؟ برای ساکن تهران؟ اصفهان؟ بوشهر؟ برای دانشجوی؟ دانش‌آموز؟ برای مخاطب ۶۰ساله؟ ۲۵ساله؟ مخاطب هدف کیست؟ اصلاً مخاطب هدفی وجود دارد یا فقط وجهت‌تلاش برای ثبت خاطرات است؟ باید توجه جدی داشت که در این فقره مسئله ناپدید‌هانگاشتن تلاش نویسنده کتاب نیست، کمابینکه مخاطب وقتی سراغ مقدمه می‌رود و با شرح واقعه و تلاش‌های نویسنده روبه‌رو می‌شود، نمی‌تواند نسبت به آن تلاشی بی تفاوت باشد، اما نتیجه آن تلاش در یک بی‌فرمی عجیب و غریب از دست رفته است، یعنی ما با مواد خامی طرف هستیم که برای تهیه و دست‌آوردن‌شان تلاش بسیار زیاد و سختی صورت گرفته است اما این مواد بدون هیچ پرداخت ادیبانی و بدون هیچ فرم جذابی ارائه شده است. مراد از پرداخت ادیبانی استفاده از توصیفات در بازنمایی عوامل طبیعی نیست بلکه بهره از ویژگی‌هایی است که یک اثر را به مرز ادبیات مباحو ادبیات می‌رساند. باید توجه داشت ادبیات خود متعهد به بازنمایی تصویر انسان در بستر

ضرورت بررسی ریشه‌های انقلاب و پیام‌های آن شامل وقایع سیاسی چند دهه پیش از آن، اهمیت تاریخ شفاهی دوچندان و به سرعت منجر به تأسیس مراکزی چون بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، گروه‌های تاریخ شفاهی، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران شد.

به طور خلاصه می‌توان گفت تاریخ شفاهی در واقع گفت‌وگویی قاعدمند و آگاهانه بین دو نفر درباره

یاداری اهمیت تاریخی است و برای تبدیل شدن به سند و ماندگاری آن ضبط و ثبت می‌شود. این کار از طریق مصاحبه صوتی یا تصویری صورت می‌گیرد و سپس نمایه‌سازی و مستندسازی و قابل استفاده می‌شود.

تاریخ شفاهی می‌تواند راهی باشد برای اظهارنظر مردمی که خود در خلق اسناد گذشته‌شان مشارکت نداشته‌اند، و در واقع فرصتی است برای مردمی‌سازی نگارش تاریخ.

وقایع و حوادثی در جامعه رخ می‌دهد که برخی از آنها جایی ثبت نمی‌شود یا تجربیات، هنرها، مهارت‌ها و پیشه‌هایی در جامعه وجود دارد که ممکن است جامعه به آن توجهی نکند و به تدریج از صحنه جامعه حذف شوند. اگر تاریخچه رخدادهای ثبت‌نشده و تجربیات جامعه را جمع‌آوری کنیم، مجموعه‌ارزشمندی می‌شود که موجب پیوستگی اجتماعی و انتقال تجربیات و عامل تعمیق اجتماعی می‌شود. به روش تاریخ شفاهی می‌توان این گنجینه‌ها را ضبط و ثبت کرد. استفنورد در مورد اهمیت تاریخ شفاهی اینگونه نوشته است: «اهمیت تاریخ شفاهی این است که در سطوح متعددی تازگی دارد، نه تنها نوع غیر معمولی از شواهد را می‌شناساند بلکه منابع مختلفی را نیز می‌گشاید.بخش‌های مختلف حوزه تاریخی را دسترس‌پذیر می‌سازد و غالباً زوایای